



Road Thieves to Jahrom

دهه اول سلطنت رضاشاه وجود داشته ولی پس از سرکوبی ایلات و عشایر سرکش، بعمر این ناامنی‌ها به طرز بی سابقه‌ای خاتمه داده شد.

دزدها برای بردن مال‌التجاره‌هایی که بعدها با ماشین و کامیون حمل میشد و لخت کردن مسافرین، در محل گردنه‌ها و دره‌ها، یعنی نقاطی که ماشین‌ها نتوانند برآست و چپ بروند و تغییر مسیر دهند، در عرض جاده، قطعه سنگهای بزرگی می‌چیدند و مانع حرکت ماشینها می‌شدند. پس از متوقف شدن ماشین شروع به لخت کردن مسافرین می‌کردند. بارهای ماشین نیز به دوش مسافرین بیچاره داده تا آنرا به محل مورد اطمینان خود دزدان ببرند. اگر در بین مسافرین سیدی بود از دستبرد دزدان معاف بود. از این رو رانندگان و شاگرد رانندگان اغلب پارچه سبزی بدور سر و کلاه می‌بستند و خود را سید معرفی می‌کردند تا از خوردن کتک و سرقت اموال شخصیشان معاف شوند (دزدها در اولین وهله برخورد با مسافرین، برای آنکه از آنان زهرچشمی بگیرند کتک مفصلی به آنها می‌زدند).

همه این جریان‌ها و ناامنی‌ها تقریباً تا اواخر دهه اول سلطنت رضاشاه باقی بود ولی بعدها، اینگونه شرارته‌ها بکلی موقوف شد، و راهزنان شدیداً تنبیه شدند. بطوریکه بعضی اوقات، کامیونی پر از مال‌التجاره بعلت نقص فنی، در بیابان می‌ماند و کلیه سرنشینهای آن با وسایل نقلیه دیگر به شهر می‌رفتند و حتی راننده و شاگرد راننده نیز برای تهیه قطعه یدکی مورد لزوم به شهر می‌رفت، با وجود این سر سوزنی از این اموال بی‌سرپرست، آنهم در میان بیابان، به سرقت نمی‌رفت و شاید بیان این مطلب در امروز هم، که سالها از آن تاریخ می‌گذرد برای بعضی از ماها تعجب آور باشد!